دو فیلسوف نوصدرایی

اندیشه سیاسی شهید مطهری در آیینه شهید لاریجانی با تکیه بر کتاب عقل و سکون در حکمرانی

اندیشه سیاسی

فاطمه رایگانی
عضو هیأت علمی پژوهشگاه انقلاب اسلامی

بیست ساله بودم که به واسطه دوره‌های «طلیعه حکمت»، مخاطب جدی شهید مطهری شدم. قبلاً در سال‌های دبیرستان به‌واسطه کنجکاوی‌هایم چیزهایی از او خوانده بودم اما این‌بار صحبتی از رهبری دیده بودم که گام بلندتری پیش رویم گذاشته بود: «حقیقتاً محصول بسیار عظیم و باارزشی از شهید مطهری در اختیار ماست و باید آثار این استاد گرانقدر را، که با فکر والای خود به جامعه فکری ما اهدا کرده است، به‌درستی دریافت کرد و آن را آموخت. من احساس می‌کنم هنوز در جامعه ما جوانان، روشنفکران، نویسندگان، دانشگاهیان و روحانیونی هستند که آثار فکری شهید مطهری را به‌طور کامل نخوانده و یا مورد تأمل قرار نداده‌اند. پس اقدام اول این است که ما آثار این فیلسوف بزرگ را مورد تأمل و استفاده قرار دهیم.»[۱]

این بار بحث از سیر مطالعاتی کامل بود و جزء‌به‌جزء خواندن. به همین بهانه استادهای مختلفی را می‌دیدم که هرکدام از منظر خودشان سراغ دریای دانش شهید مطهری رفته بودند و انصافاً هم در مفصل‌خوانی کمک بزرگی بودند اما برای من که فلسفه می‌خواندم، وجه فیلسوف‌بودنش خیلی جذاب‌تر بود. گاهی در کلاس‌های دانشگاه بعضی متون فلسفی او را می‌خواندیم اما منم دلم می‌خواست رد فلسفه را در همان کتاب‌های اجتماعی و سیاسی پیدا کنم. دوست داشتم بدانم فلسفه چگونه از «شرح منظومه» و شرح «اصول فلسفه و روش رئالیسم» پایش به «آزادی معنوی» و «پیرامون جمهوری اسلامی» و... کشیده می‌شود و این کار را دکتر علی لاریجانی خیلی خوب بلد بود. او هم به واسطه نسبت فامیلی، زندگی شهید مطهری را بی‌واسطه شهود کرده بود و هم از روی مقام شاگردی به نوشته‌ها و آثارش تسلط بی‌بدیلی داشت.

من اول برای خواندن شهید مطهری سراغ دکتر لاریجانی نرفته بودم اما از همان ابتدا می‌دیدم که او در تأملات فلسفی‌اش عینک شهید مطهری را روی چشم داشت و در دستگاه فکری او غور می‌کرد و حرف‌هایش را برآن مبنا سامان می‌داد. برای همین هرچه که می‌خواستی از او بشنوی به هر حال یک جایی رشته‌اش می‌رسید به شهید مطهری. بویژه اینکه شهید لاریجانی خودش نسبت به فلسفه و سیاست دغدغه داشت و معتقد بود شهید مطهری یک «فیلسوف سیاست» است که به سه دلیل موقعیت ویژه‌ای در اندیشمندان انقلاب اسلامی پیدا کرده است[۲]:

هم فلسفه می‌دانست و هم امتداد مباحث فقهی و فلسفی را در سیاست و اجتماع پیگیری کرده بود. او بلد بود فلسفه را از کنج حجره‌های حوزه بکشاند به متن جامعه و شبهات روز را با متن‌های کهن تطبیق بدهد و پاسخ‌ها را بسازد.

از نفوذ اجتماعی بالایی برخوردار و به‌عنوان یکی از رهبران نهضت، در انقلاب اسلامی نقش مستقیم داشت. فیلسوف برج عاج‌نشینی نبود که از ورای تاریخ، جهان را تحلیل کند و برای آیندگان رهنمود بنگارد. بلکه آنچه را که بلد بود توشه مبارزه خودش می‌کرد و دیگران را هم به این مبارزه فرا می‌خواند.

روحیه شخصی و علایق سیاسی مطهری موجب می‌شد به آن سمت و سو کشیده شود. او شخصاً درد حکومت داشت و عقل‌گرایی متعادلش باعث می‌شد مسیر حکمت را در سیاست پیش بگیرد.

برای همین شهید مطهری می‌تواند دریچه خوبی برای ورود به فضای نوصدرایی و سیاست‌نامه‌نویسی مدرن باشد و بی‌راه نیست که دکتر لاریجانی او را «معمار بازسازی فکر دینی در جهان معاصر» می‌دانست و شاید بی‌راه نباشد که ما هم شهید لاریجانی را «معمار بازسازی فکر مطهری در فلسفه سیاست اسلامی» بدانیم.

مختصات فکر سیاسی شهید مطهری

شهید لاریجانی در سال‌های فعالیت‌های سیاسی و علمی‌اش سخنرانی‌ها و نوشته‌های زیادی درباره شهید مطهری دارد که از هرکدام می‌شود چیزهایی زیادی آموخت. اما منسجم‌ترین و دقیق‌ترین متونش را می‌شود در کتاب «عقل و سکون در حکمرانی»[۳] پیدا کرد. او در فصل چهارم این کتاب تلاش می‌کند نظریه شهید مطهری در حکمرانی مطلوب را صورت‌بندی کند و مؤلفه‌های اصلی این نظریه را برشمارد.

ایدئولوژی: لاریجانی صراحت دارد که حکومت از نظر شهید مطهری ضرورت و حتی بداهت دارد.[۴] اما پایه تحقق این امر ضروری و بدیهی، اسلام است و برای جامعه اسلامی ایدئولوژی هم هدف است و هم وسیله.[۵] پس حکومت وظیفه دارد در درجه اول معیارهایی را که معیار انسانیت است تعیین کند و اهداف اسلام را که همان اهداف انسانیت است تحقق ببخشد؛ ولو اینکه آسایش فعلی جامعه را برهم بزند. چون حق انسانیت بر حق فرد مقدم است.[۶] پس اسلام هم مسئول معیشت روزمره است و هم مسئول تعالی انسانیت حتی در آینده.[۷] پس در تقسیم نظریات حکمرانی

عقل و سکون در حکمرانی
- نویسنده: علی لاریجانی
- انتشارات: دانشگاه تهران
- تعداد صفحات: ۲۲۶صفحه
- قیمت: ۲۶۰۰۰۰ تومان

باید شهید مطهری را در دسته فیلسوفان «غایت‌گرا» دانست که با اختیارگرایانی چون نوزیک و هایک و لیبرال‌هایی چون کانت و لاک و حتی جامعه‌گرایانی چون والزر و سندل فاصله دارد.[۸]

فطرت: سنگ زیربنای نظام‌سازی شهید مطهری فطرت است و ریشه تمام آنچه را معیار انسانیت می‌داند در فطرت می‌بیند.[۹] پای این فطریات به جامعه هم کشیده می‌شود و سنن و قواعد ثابت جامعه بر همین مبناست.[۱۰] و همین ترکیب تکامل روح جمعی را باعث می‌شود. پس هر استعداد طبیعی که برای فرد و جامعه قائل هستند مبنای یک حق طبیعی است که حکمرانی مطلوب باید به سمت تحقق آن حرکت کند. در واقع حقوق طبیعی در نظریه شهید مطهری حقوق فطری انسان است که البته منافاتی با طبیعت جسمی او ندارد بلکه با آن در پیوند است.[۱۱]

عدالت اجتماعی: عدالت اجتماعی رکن اصلی نظریه حکمرانی شهید مطهری است. تا آنجا که آن را همدوش توحید، رکن معاد، هدف تشریع نبوت و فلسفه امامت، معیار کمال فرد و مقیاس سایر اصول نیست بلکه مسلط بر آنها و معیار سنجش آن‌هاست.

آزادی: شهید مطهری آزادی را از مقدسات بشری می‌داند.[۱۳] زیرا کمال انسان بدون آزادی محقق نمی‌شود و بدون میدان باز استعدادهایش شکوفا نخواهد شد.[۱۴] بر این اساس آزادی هدف نیست بلکه وسیله ضروری تحقق دیگر اهداف بشری است. کمال انسان این نیست که آزاد باشد بلکه باید آزاد باشد تا به کمال برسد.[۱۵] همین تأکید نقطه فاصله‌گرفتن او از نظریه آزادی در تفکر غرب است که آزادی را حیثیت ذاتی بشر می‌دانند.[۱۶] آزادی به همان میزان که در تکمیل شخصیت فرد و شکوفایی استعدادهایش محوریت دارد، عامل مؤثر در حدوث تمدن اسلامی است و مسلمین به‌خاطر روحیه تساهل و تسامح که داشتند توانستند از جمود فکری خارج شوند و با جهاد اخذ علم آن تمدن عظیم را بنا کنند.[۱۷] آزادی فکری در جامعه عامل رشد است و اختناق خطری است که باید مراقبش بود.[۱۸] زیرا اگر به بهانه اینکه ملت رشد ندارند آزادی را از آنها بگیری آن ملت تا ابد غیررشید خواهد ماند. پس جامعه باید آزاد باشد ولو اینکه در این آزادی اشتباه کند.[۱۹]

شهید لاریجانی در این نوشتارها و گفتارها تلاش می‌کند نظام فکری شهید مطهری در عرصه حکمرانی را مانند یک دستگاه منسجم صورت‌بندی کند تا هم اجزای متکثر آن و هم پیوند وثیق میان اجزا را روشن کند و بگوید که این «جامعیت» و «نظام‌مند بودن» منحصر به فرد است. مخصوصاً که به درستی پلی پیدا کرده تا نیازهای جدید را به اقتضای زمانه از اصول ثابت دین استخراج کند. او شهید مطهری را دین‌شناس مؤمن و معتقدی می‌دید که همان‌زمان فکر روشن و روزآمد دارد که به قول خودش می‌خواهد از اسلام در برابر «جمود» و «جهالت» که رهاوردش برای جامعه «سکون» و «سقوط» است، پاسداری کند. این عقل‌گرایی دینی از شهید مطهری متفکری می‌ساخت که می‌توانست به دور از افراط و تفریط در صراط مستقیم دین بایستد و با تکیه بر میراث تاریخی اسلام افق آینده را ترسیم کند و بر این اساس تکلیف انسان امروز را روشن کند. مدل حکمرانی مطلوب در اندیشه شهید مطهری بر همین اساس شکل گرفته که اکنون اندیشه او در نگاه شهید لاریجانی نه یک پرونده تاریخی و تمام شده که یک الگوی زنده در حرکت است که باید تکمیل شود و الحق خود از بهترین پیش‌برندگان آن پرونده فکری بود.

> شهید مطهری می‌تواند دریچه خوبی برای ورود به فضای نوصدرایی و سیاست‌نامه‌نویسی مدرن باشد و بی‌راه نیست که دکتر لاریجانی او را «معمار بازسازی فکر دینی در جهان معاصر» می‌دانست و شاید بی‌راه نباشد که ما هم شهید لاریجانی را «معمار بازسازی فکر مطهری در فلسفه سیاست اسلامی» بدانیم

پی‌نوشت:

[۱]. خامنه‌ای، سیدعلی، استاد در کلام رهبر؛ گردآوری از مجتبی پیرهادی؛ تهران: صدرا، ۱۳۹۰، ص ۸۰

[۲]. رک. لاریجانی، علی، ۱۴۰۱/۲/۱۰، سخنرانی با عنوان شهید مطهری و امتداد اجتماعی حکمت

[۳]. رک. لاریجانی، علی، عقل و سکون در حکمرانی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۴۰۳، فصل چهارم

[۴]. رک.، لاریجانی، علی، ۹۹/۱۱/۳، آرای شهید مطهری در مواجهه با مسائل روز

[۵]. مطهری، مرتضی، مقدمه‌ای بر حکومت اسلامی، صدرا، تهران، ۱۳۹۶، صص ۹۳-۱۰۰

[۶]. همان، صص ۸۳-۸۴

[۷]. همان، صص ۸۴-۸۷

[۸]. رک. لاریجانی، علی، عقل و سکون در حکمرانی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۴۰۳، ۱۷۹

[۹]. رک. مطهری، مرتضی، مقدمه‌ای برجهان‌بینی اسلامی، صدرا، تهران، ۱۳۷۷

[۱۰]. همان، جامعه و تاریخ، ص ۴۲۷

[۱۱]. رک. لاریجانی، علی، ۱۴۰۱/۲/۱۰، سخنرانی با عنوان شهید مطهری و امتداد اجتماعی حکمت

[۱۲]. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱، صدرا، تهران، ۱۳۸۱، ص ۶۱

[۱۳]. همان، جهاد، ۹۳

[۱۴]. همان، پانزده گفتار، ۲۰۶

[۱۵]. همان، یادداشت‌ها، ج، ص ۲۷

[۱۶]. همان، ۱۲۷

[۱۷]. لاریجانی، علی، ۱۴۰۴/۲/۱۴، سخنرانی در مدرسه عالی شهید مطهری به مناسبت روز معلم

[۱۸]. مطهری، مرتضی، آینده انقلاب اسلامی، صدرا، تهران، ۱۳۹۴، صص ۹۴-۹۵

[۱۹]. همان، ۳۱۳

الگوی ماندگار

نگاهی اجمالی به مجموعه آثار استاد شهید مطهری در پنج ساحت

کتاب شناسی

مهدی خیاط زاده
عضو هیأت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه

عابد و زاهد و صوفی همه طفلان رهند
مرد اگر هست بجز «عالم ربانی» نیست

استاد شهید مرتضی مطهری، بهمن ۱۲۹۸ در فریمان دیده به جهان گشود. تحصیلات اولین را در حوزه علمیه مشهد گذراند و سپس برای تحصیلات تکمیلی راهی قم شد و پانزده سال در این دیار مقدس به خوشه‌چینی از خرمن علم بزرگان سپری کرد. فقه و اصول را از آیت‌الله بروجردی، امام خمینی، آیت‌الله سید محمد حجت و آیت‌الله سید محمد محقق داماد درس گرفت. کتاب «شرح المنظومه» سبزواری و «اسفار اربعه» ملاصدرا را از امام خمینی و میرزا مهدی آشتیانی فرا گرفت. «الهیات شفاء» ابن‌سینا را از علامه طباطبایی آموخت. در اخلاق و عرفان نیز از محضر امام خمینی و آیت‌الله میرزا علی آقا شیرازی کسب فیض کرد. مطهری پس از پرباری درخت معرفت خود، سال ۱۳۳۱ به تهران

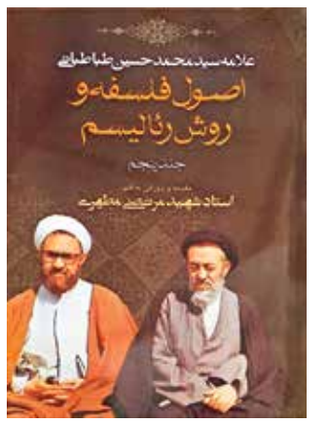

مهاجرت کرد و تا هنگامه عروج ملکوتی‌اش مقیم آن شهر بود. تدریس در حوزه علمیه مروی، تدریس در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، سخنرانی در انجمن اسلامی مهندسان و پزشکان، سخنرانی در مساجد هدایت، جامع نارمک، ارک، جاوید و الجواد، تأسیس حسینیه ارشاد در سال ۱۳۴۶، بنیانگذاری جامعه روحانیت مبارز تهران در دهه ۵۰ و عضویت در هیأت راهبری هیأت‌های مؤتلفه اسلامی از جمله کنشگری‌های او بود. استاد مطهری در عمر پربار خود، در قالب طراحی جهان‌بینی اسلامی، سازماندهی مجامع روشنفکر، ساماندهی روحانیت مبارز، پیوند میان روشنفکران مسلمان و روحانیت مبارز و واسطه میان امام خمینی و گروه‌های مبارز نقش اجتماعی-سیاسی خود را به نیکی ادا کرد. در وصف او همین بس که امام راحل هنگامه شهادتش از او با عناوینی همچون متفکر، فیلسوف و فقیه عالی‌مقام، کم‌نظیر در اسلام‌شناسی و فنون مختلف اسلام و قرآن کریم، مبارز سرسخت با کجروی‌ها و انحرافات، شخصیتی فداکار و مجاهد در راه اسلام، کم‌نظیر در طهارت روح، قوت ایمان و قدرت بیان توصیف

کرد؛ و استاد دیگرش، علامه طباطبایی، او را به‌عنوان دانشمندی متفکر و محقق، دارای هوش سرشار و فکری روشن و ذهنی واقع‌بین و دارای تألیفات و تحقیقاتی اعجاب‌آور ستود. تألیف حدود ۹۰ اثر در حوزه‌های مختلف اندیشه اسلامی از شاخصه‌های آن معلم شهید است. آثار او از جهت اسلامی بودن، توجه به نیازهای روز، رویکرد سیاسی و اجتماعی، تنوع موضوعات علمی، حسن اسلوب و مناسب با فهم همه اقشار جامعه، باعث اعجاب بود. زوایای پیدا و پنهان شهید مطهری را می‌توان از عناوین آثارش پی جست:

۱. ساحت فلسفه‌ورزی

مطهری اعتقادی عمیق به فلسفه صدرایی داشت و همواره از مدافعان سرسخت آن بود، ولی ارادت او به این فلسفه، مانع از استقلال فکری و توجه به فلسفه‌های دیگر نبود. خدمات ارزنده او به ساحت فلسفه، در دو محور قابل طرح است:

۱-۱: تألیف آثار فلسفی: مهم‌ترین اثر فلسفی استاد مطهری، شرح تفصیلی بر کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» علامه طباطبایی است. این اثر محصول جلسات علامه با گروهی از فرهیختگان و فضلای حوزه علمیه قم (از جمله شهید مطهری) است. این جلسات بین سال‌های ۱۳۳۰ تا اسفند سال ۱۳۳۲ و هر هفته دو بار تشکیل شده و مجموعه مباحث مطرح شده در آن جلسات، در قالب ۱۴ مقاله نگاشته شده است. درس‌گفتارهای علامه و شرح شهید مطهری بر آنها با عنوان «اصول فلسفه و روش رئالیسم» در پنج جلد منتشر شد. توجه به پیشینه مسأله، شرح و تفسیر جملات کوتاه متن اصلی و توجه به نظریات رقیب و نقادی آنها از ویژگی‌های برجسته این اثر است. از دیگر آثار تألیفی مطهری در این حوزه می‌توان به مجموعه شش جلدی «درس‌های اسفار» که تعلیقات بر کتاب اسفار اربعه ملاصدراست و نیز کتاب «کلیات علوم اسلامی» (بخش منطق و فلسفه)، «مقالات فلسفی» (مجموعه‌ای از مقالات پراکنده فلسفی شهید) اشاره کرد.

۱-۲: تدریس و شاگردپروری: نقش بی‌بدیل دیگر شهید مطهری، در تدریس علوم عقلی به زبانی روان و استدلالی بود. او گرچه دارای ذوقی عرفانی بود ولی همچون استاد خود، علامه طباطبایی، هیچ‌گاه از مباحث ذوقی و عرفانی در تبیین نظریات فلسفی بهره نبرد. وی همچنین به معنای واقعی کلمه، یک مربی بود و در پرورش شاگردان خود دلسوز و پیگیر بود. برخی از تدریس‌های او که در آینده به صورت کتاب درآمدند بدین شرح‌اند: یک دوره تدریس «شرح منظوم» حاجی سبزواری برای طلاب مدرسه مروی تهران که به صورت تقریرات عربی و در سه جلد منتشر شده است. چند دوره تدریس عمومی فلسفه در دانشگاه بر پایه کتاب «شرح منظومه» که در قالب کتاب «شرح منظومه» منتشر شده است. تدریس بخش‌هایی از کتاب «الاشارات و التنبیهات» و «نجات» ابن‌سینا که با عنوان «درس‌های اشارات و نجات» منتشر شده است. درس‌های «شرح منظومه» در منزل ایشان با مشارکت تعدادی از اساتید فلسفه غرب دانشگاه تهران و جمعی از دانشجویان مستعد این رشته که در قالب دو جلد و با عنوان «شرح مبسوط منظومه» منتشر شده است. نگارنده هنگام تدریس فلسفه، از این آثار بهره‌های فراوان برده و خود را مرهون تحقیقات ارزشمند و بیان شیوای آن استاد یگانه می‌داند.

شهید همچنین در سال‌های آخر حیات خویش به توصیه امام خمینی و تقاضای جمعی از طلاب حوزه علمیه قم، شب‌های پنجشنبه و جمعه به این شهر آمده و بحث قوه و فعل «اسفار اربعه» را تدریس کرد. خروجی این درس با عنوان «درس‌های اسفار» در شش جلد منتشر شده است. از دیگر تدریس‌های ایشان می‌توان از این موارد یاد کرد: جلساتی در نقد مارکسیست در شهر قم و با حضور جمعی خصوصی از طلاب که «نقدی بر مارکسیسم» منتشر شده است؛ ده جلسه سخنرانی با عنوان «مسأله شناخت» که در کانون توحید تهران انجام شده و با همین عنوان منتشر شده است. درس‌گفتارهایی با عنوان «فلسفه تاریخ» که در منزل ایشان و برای جمعی از شاگردان بوده است. در این جلسات، بخش‌هایی از کتاب «لذات فلسفه» ویل دورانت، «کتاب تاریخ چیست؟» اثر ای. اچ کار و کتاب «مارکس و مارکسیسم» اثر آندره پی‌یتر مطرح و گفت‌وگو شده است.

۲. تفسیر و حدیث

توجه استاد شهید به ساحت قرآن کریم را می‌توان در مجموعه ۱۴ جلدی «آشنایی با قرآن» یافت. مقدمه این اثر با عنوان «شناخت قرآن» حاصل پنج سخنرانی ایشان در دانشگاه صنعتی شریف در سال ۱۳۵۲ است. تفسیر سوره حمد و قسمتی از سوره بقره حاصل جلسات هفتگی موسوم به «جلسه یزدی‌ها» در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ در نقاط مختلف تهران ایراد شده است. تفسیر آیاتی از سوره‌های انفال و توبه طی چهارده جلسه در سال‌های ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۰ در مسجد الجواد تهران بیان شده است. تفسیر قسمتی از سوره نور نیز در سال ۱۳۴۹ در همین مسجد ایراد شده است. بخش نهایی این اثر نیز مشتمل بر تفسیر بخشی از سوره‌های زخرف، دخان، جاثیه، فتح و قمر است که حاصل سلسله جلسات هفتگی منطقه قلهک تهران در منازل برخی افراد متدین بوده است. در حوزه تفسیر موضوعی قرآن کریم نیز این آثار از شهید به یادگار مانده است: «جامعه و تاریخ در قرآن»، «انسان در قرآن»، «انسان‌شناسی قرآن»، «فطرت در قرآن» و «شناخت از نظر قرآن». شهید مطهری همچنین توجه ویژه‌ای به نهج‌البلاغه داشت و آشنایی و انس و الفت خود با نهج‌البلاغه را مرهون ملاقات میرزا علی آقا شیرازی اصفهانی می‌داند. خود نقل می‌کند پس از معاشرت با این استاد متبحر، دری تازه به رویش گشوده شد و نهج‌البلاغه را از نو شناخت. توجه شهید مطهری به این اثر منتهی به نگارش مجموعه‌ای از مقالات شد که بین سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۵۲ در مجله «مکتب اسلام» منتشر شد و سپس با عنوان «سیری در نهج‌البلاغه» انتشار یافت.

۳. معارف اسلامی

از دیگر ویژگی‌های شهید مطهری، توجه به ساحات مختلف معارف اسلامی، علی‌الخصوص مسائل معطوف به نیازهای آن روز بود. نگارش حدود ۵۰ اثر در موضوعات مختلف معارفی، خود گویای این ساحت اوست. «توحید»، «معاد»، «نبوت»، «امامت و رهبری»، «عدل»، «انسان کامل»، «هدف از زندگی»، «علل گرایش به مادی‌گری»، «ایمان»، «امدادهای غیبی در زندگی بشر»، «فطرت»، «جاذبه و دافعه علی علیه‌السلام»، «حماسه حسینی»، «سیری در سیره ائمه اطهار علیهم السلام»، «سیری در سیره نبوی»، «قیام و انقلاب مهدی(عج) از دیدگاه فلسفه تاریخ»، مسائل فقهی همچون «بردگی در اسلام»، «جهاد اسلامی»، «زن و مسائل قضایی و سیاسی»، «مسأله حجاب»، «نظام حقوق زن در اسلام»، «خانواده و اخلاق جنسی»،

«مسأله ربا و بانک»، «نظری به نظام اقتصادی اسلام» و «حج».

۴. اخلاق، تربیت و عرفان

شهید مطهری در کنار سیر تکاملی عقل نظری خود به پرورش ساحت قلب و عقل عملی نیز اهتمام ویژه‌ای داشت و دوستان و همراهان، از عبادت‌ها و اشک‌های نیمه شب او خاطرات متعددی بیان کرده‌اند. توجه ایشان به مسائل عرفانی و تربیتی را می‌توان در این آثار رهگیری کرد: تعلیقه‌های استاد بر دیوان حافظ با عنوان «عرفان حافظ»، «تعلیم و تربیت در اسلام»، «فلسفه اخلاق»، «گفتارهایی در اخلاق اسلامی»، «حکمت‌ها و اندرزها»، «کلیات علوم اسلامی (کلام و عرفان و حکمت عملی)».

۵. رویکرد سیاسی-اجتماعی

استاد مطهری در کنار پژوهش و تدریس در حوزه‌های تخصصی علوم دینی نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی روز نیز بی‌توجه نبود و آثار متعددی را در این عرصه به جامعه بشری تقدیم کرد؛ از جمله این آثار می‌توان به موارد زیر

اشاره کرد: «آینده انقلاب اسلامی ایران»، «نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر»، «مقدمه‌ای بر حکومت اسلامی»، «انقلاب اسلامی از دیدگاه فلسفه تاریخ»، «نبرد حق و باطل»، «اسلام و مسأله ملیت»، «خدمات متقابل اسلام و ایران»، «نبرد حق و باطل» و «انحطاط و ترقی تمدن‌ها».

> نقش بی‌بدیل شهید مطهری، در تدریس علوم عقلی به زبانی روان و استدلالی بود. او گرچه دارای ذوقی عرفانی بود ولی همچون استاد خود، علامه طباطبایی، هیچ‌گاه از مباحث ذوقی و عرفانی در تبیین نظریات فلسفی بهره نبرد

سخن پایانی

استاد شهید آیت‌الله مطهری از برجسته‌ترین متفکران معاصر جهان اسلام است؛ دانشمندی جامع، عمیق، روشن‌اندیش و زمان‌شناس. او پاسدار اندیشه اسلامی، مصلح اجتماعی، معلمی دلسوز و فیلسوفی ژرف‌نگر بود. تبحر او در فلسفه، فقه، اصول، تفسیر و معارف اسلامی از یک سو و شناخت دقیق او از مسائل فرهنگی و اجتماعی زمانه از سوی دیگر، شخصیت او را به الگویی ماندگار بدل ساخت. امروز نیز اندیشه و آثار او همچون چراغی فروزان، راه هدایت نسل‌های جویای حقیقت را روشن می‌سازد؛ چراکه «مرد اگر هست، بجز عالم ربانی نیست.»